

یادآور

مهارت واژه‌یابی

۱ پرسان یک کوله‌پشتی پر از کلمه دارد، کلمات مورد نیاز هر جمله را از این کوله‌پشتی پیدا کن و بنویس.



الف) آرش کمانگیر، تیرانداز ایرانی، خود را برای پرتاب تیر آماده کرد.

ب) تنه‌ی درختی پیر و در گوشه‌ی روستا به چشم می‌خورد.

پ) صبح زود، می‌توانی شادی و را از چهره‌ی مردم بخوانی.

ت) روز اول مدرسه از شدت شب به سختی خوابم برد.

ث) هنگام خورشید، از خواب بیدار می‌شود.

۲ مفهوم تصویر زیر با کدام یک از مثال‌های زیر مرتبط است؟

۱ دشمن دانا به از دوست نادان!

۲ با یک گل بهار نمی‌شود!

۳ جوینده، یابنده است!

۴ ز گهواره تا گور دانش بجوی!



۳ شعر «باز باران» را که سال پیش از «گلچین گیلانی» در کتاب فارسی آمده بود، یادت هست؟

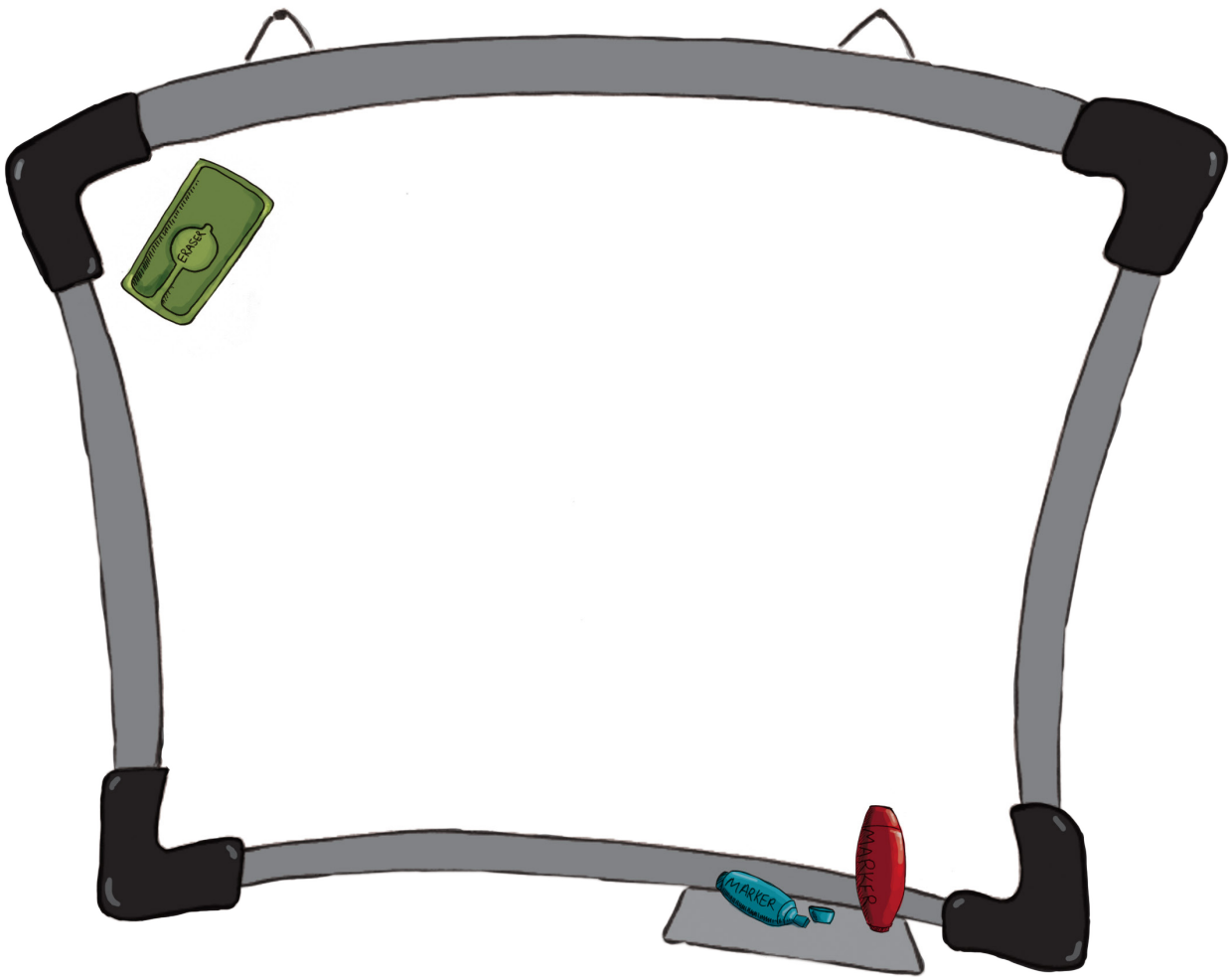
چهار بیت آن را از حفظ بنویس و یک نقاشی قشنگ درباره‌ی آن بکش.

.....

.....

.....

.....



۴) پرسان کمی راجع به این چند کلمه، گیج شده است، فکر می‌کنم با جمله‌سازی بتوانی به او توضیح بدهی.

حیات:
 حیاط:
 خار:
 خوار:

۵) اشتباه برای همه پیش می‌آید، پرسان هم اشتباهی، این حروف را پاک کرده؛ به او کمک کن و آن‌ها را با دقت به شکل درست کلمات بنویس.

- الف) در زمان‌های قدیم، حکیمی قصد سفر کرد.
 ب) من با شنیدن جمله‌ی شما ... دس زدم که فردی بسیار دانا هستید.
 پ) آیا شما حاضر هستید با من درباره‌ی دلایل دوستی حرف بزنید؟
 ت) تعلیم جوانان باعث ش...رت حکیم شد.
 ث) در این لحظه به چیزی می‌اندیشید؟

۶) شعر زیر را با خط خوش و با دقت به سرمشق زیر بنویس.

«بیا موزید آنچه را آموختنی است به دست آورید آنچه ماندنی است.»

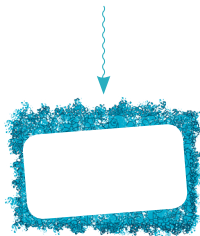
.....



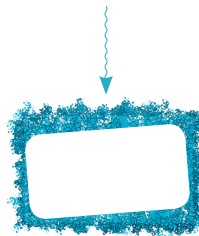
پرسان: من یاد گرفتم برای فوش فط شدن باید به بالا و پایین بودن کلمات نسبت به فط زمینه دقت کنم.

۷) کلمات را مطابق الگو در جای خالی قرار بده.

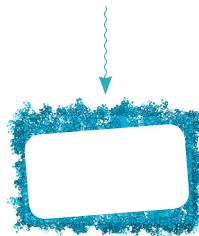
مینا گلدان را ...



مادر از شنیدن خبر ...



پیرمرد سیب را ...



معلم مهربانم با من ...



۸ جاهای خالی را با تعریف درست از هر واژه پر کن.

◆ شور و شوقی وصف‌ناپذیر وجودم را در برگرفت؛ یعنی شور و شوقی

◆ صدای قرآن دمامد از هر گوشه شنیده می‌شد، دمامد؛ یعنی

◆ طبل غازی، بلندآواز و میان‌تهی است؛ یعنی

◆ شیری در بیشه‌زاری زندگی می‌کرد؛ بیشه‌زار یعنی

◆ انسان خودبین به کسی می‌گویند که

چشم‌های باز

۱ با دیدن این تصویر یاد چه داستانی می‌افتی؟ آن را تعریف کن و بنویس.



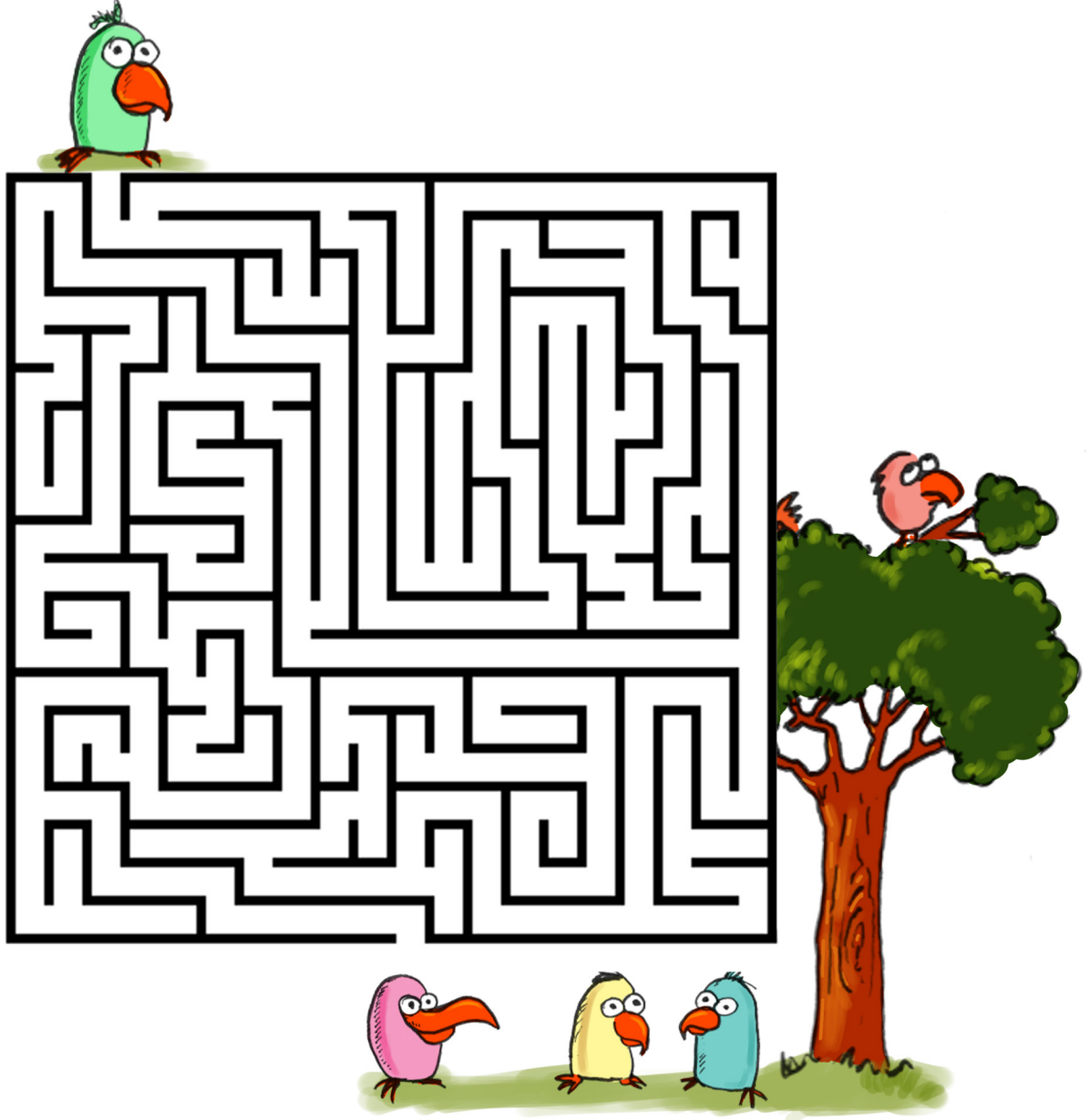
۲ چه عنوانی برای تصویر بالا در نظر می‌گیری؟

۳ نویسنده‌ی این داستان چه کسی بوده است؟

۴ چه درسی می‌توانی از این قصه بگیری؟

۵ تصویر را خوب ببین و تمام چیزهایی را که به چشم می‌آید، بنویس.

٦ راه رسیدن طوطی به دوستانش را از این مسیر پیدا کن و او را شاد کن.

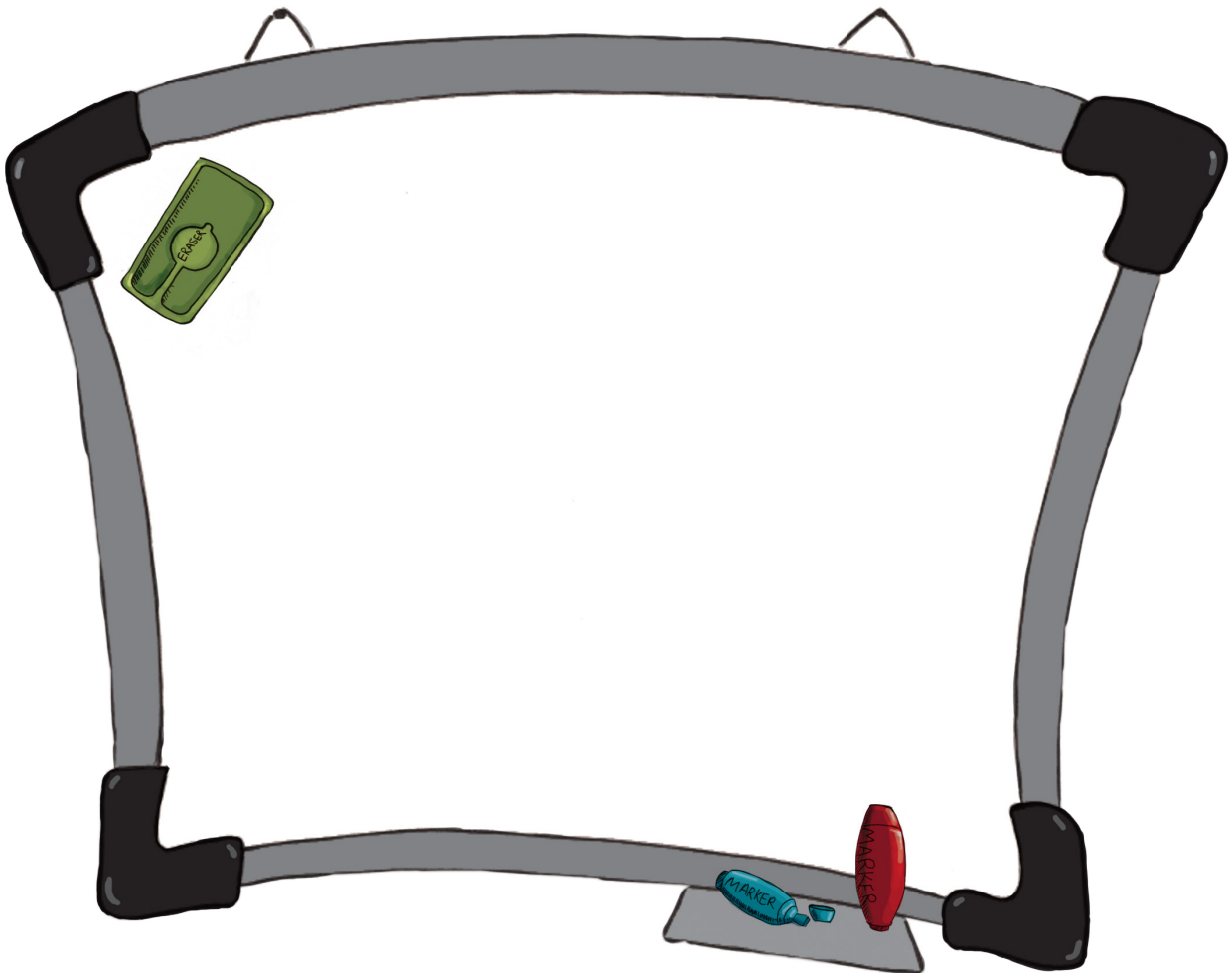


نویسنده‌ی کوچک



۱ در تابستان، حتماً کارهای زیادی انجام دادی و اتفاق‌های مختلفی هم برایت رخ داد. در این جا هم سعی کن یکی از مهم‌ترین خاطره‌های خودت را (به تنهایی و بدون کمک اطرافیان) بنویسی.

۲ نقاشی من از خاطره‌ای که تعریف کردم:



لذت مطالعه

پیشنهاد

نام کتاب: من جن جور شیمپانو
 نام نویسنده: فرهاد حسن‌زاده
 نام تصویرگر: مهدی شیرازی
 نام ناشر: چکمه

پرسان لم داده گوشه‌ی مبل و کتاب را گذاشته روی پاهایش و با چشم‌های براق کتاب می‌خواند.

جویان: «پی داری می‌فونی امروز؟»

جوابی نمی‌آید!

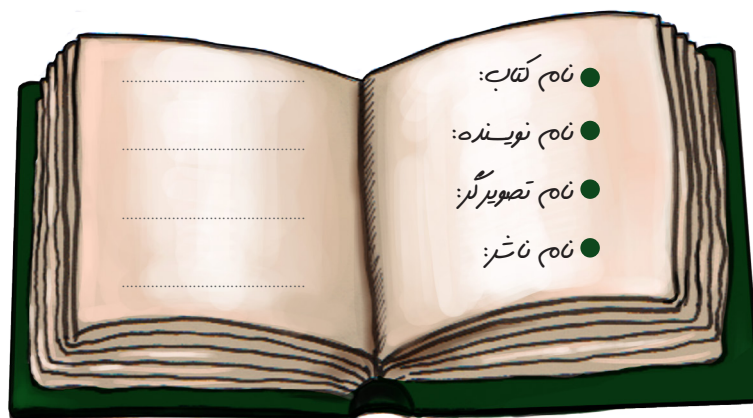
جویان: «این قدر جالب است که توی آن غرق شری؟»

جوابی شنیده نمی‌شود.

جویان: «پرسان جان! پرسان جان!»

پرسان با هیجان می‌پرد و جواب می‌دهد: «بلی... بلی! وای پقدر جالب هست دنیای این کتاب‌ها!»

پرسان و جویان در تابستان، کتاب‌های زیادی خواندند و خیلی‌هایشان را دوست داشتند؛ اما دلم می‌خواهد شما هم بهترین کتابهایی که در این سه ماه خواندید به دوستانتان معرفی کنید:



۱) چه چیزهایی از کتاب‌هایی که در این مدت خواندی، به یادت مانده؟! (حتی اگر به صورت جملات کوتاهی هستند، آن‌ها را بنویس.)

.....

.....

.....

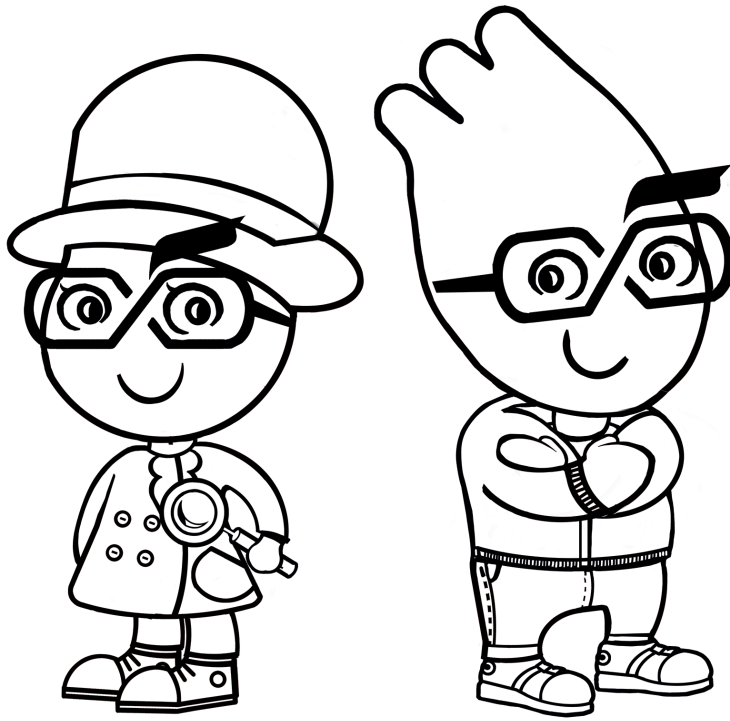
.....

.....

از امروز با پرسان و جویان یک قرار بگذارید؛ هر شب کم کم ده صفحه کتاب داستان بخوانید و سعی کنید با دنیاهای جدید هر کتاب آشنا شوید. (می‌توانید برای انتخاب کتاب‌ها از معلمان کمک بگیرید)

رنگین

بارنگ‌هایی که دوست داری پیرسان و جویان خودتو رنگ آمیزی کن



خودم

ارزیابی

آموزگارم

سینایتر



واژه‌نامه



مخالف‌ها

هستی ≠ نیستی
 امید ≠ بیم
 ضعیف ≠ توانا
 پیدا ≠ پنهان

هم خانواده‌ها

کریم / کرامت
 ضعیف / تضعیف
 مونس / انیس / انسان

هم معنی‌ها

هستی = زندگی
 از پی تو = به دنبال تو
 بیم = ترس
 کریم = بخشنده
 یاور = کمک
 مونس = همدم
 نواختن = نوازش کردن، محبت
 کردن

فهمیدن دقیق



پرسان نشسته و بلند بلند شعر «ای همه هستی ز تو پیدا شده» را می‌خواند؛ گاهی اوقات هم دست‌هایش را به شکل‌های خاصی بالا و پایین می‌برد. بعد که یک‌دفعه متوجه نگاه‌های جویان می‌شود، می‌زند زیر خنده.

جویان: «ا... پرا نیمه‌کاره گذاشتی و نخواندیش؟ فیلی قشنگ می‌خواندی!»

پرسان: «واقعاً؟ من فیلی دلم می‌خواهد شعرها را طوری بفوانم که احساس شاعر را، هم فوراً متوجه بشوم و هم کسی که صدایم را گوش می‌دهد!»

جویان: «آخرین! آخرین!»

جویان: «پرسان! هتماً می‌دانی که قبل از این که معنی شعر را خوب درک نکرده باشی، نمی‌توانی آن را درست بفوانی و از آن لذت ببری!»

پرسان: «بلی... بلی! اما گاهی مثلاً در این شعر نظامی معنی کردن، برایم سفت است! تو راهی می‌شناسی؟»

جویان: «بلی... بلی اولین کار، همین تلاش برای درست خواندن کلمات است!»

پرسان می گوید: «و بعد...»

جویان: «می بینی؟ شعر یک آهنگ دارد و شاعر با پیدن کلمات جمله، در وزن خاص کاری می کند که این آهنگ ایجا می شود. اگر گفتی

آهنگ این مصراع چه طوری ایجا شده است؟»

«از پی توست این همه امید و بیم»

پرسان چند بار این مصراع را می خواند و بعد با لبخند می گوید: «فکر کنم کلمه ها را با به پا کرده است؛ چون باید می گفت: «این همه

امید و بیم از پی توست!»

جویان: «آخرین! آخرین!»

جویان: «هالا به جز این کار، شاعران یک کار جالب دیگر هم برای آهنگین کردن شعرهایشان انجام

می دهند؛ مثلاً در مصراع «ای همه هستی ز تو پیدا شده» اگر گفتی چه کاری انجام شده؟»

پرسان چند بار مصراع بالا را می خواند و بعد در حالی که با تعجب به جویان نگاه می کند، می گوید: «این یکی

را واقعاً نمی دانم!»

جویان: «اگر ما قرار بود این را بگوییم، می گفتیم: "ای کسی که همه ی هستی از وجود تو پیدا شده است".»

پرسان بالا و پایین می پرد و می گوید: «ای وای ای ما نسبت به شعر، مقدر کلمه های بیشتری استفاده می کنیم!»

جویان: «بلی... بلی! شاعران خیلی از کلمات را حذف می کنند؛ یعنی آن ها را نمی آورند تا هم شعرشان

آهنگین شود و هم کوتاه!»

پرسان: «وای ای شاعران چه آرم های باهوش و بزرگی هستند!»

جویان با خنده می گوید: «همین طور است... بلی... بلی!»

♦ دوست جان، می توانی بنویسی شاعر در این بیت با کدام شیوه، شعرش را آهنگین کرده است؟ بعد هم آن را به شکل غیر شعری

تبدیل کنی؟

«یار شو، ای مونس غمخوارگان چاره کن ای چاره ی بیچارگان»

گپ مهارت واژه یابی

ما همیشه کارهایمان را با نام و یاد خدا شروع می کنیم. تمام نویسندگان و شاعران بزرگمان هم در نوشتن آثارشان این کار را کرده اند و برای آغاز کردن دفتر نوشته هایشان از خداوند کمک خواسته اند. شعر «ستایش» یکی از همین بخش های کتاب «مخزن الاسرار» است که نظامی آن را سروده است.

۱) حالا شما در این بخش، در یک بند به زیباترین شکلی که می‌توانی از خداوند بنویس. در بند دوم، تمام آن چیزهایی را که به تو در پیشرفت زندگی‌ات کمک می‌کند، از خداوند بخواه.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۲) این بیت به کدام ویژگی خداوند اشاره دارد؟

«از پی توست این همه امید و بیم هم تو ببخشای و ببخش، ای کریم»

.....

۳) قافیه‌ی این بیت را بنویس.

«یار شو، ای مونس غمخوارگان چاره کن ای چاره‌ی بیچارگان»

.....

۴) با توجه به شعر نظامی، اگر خداوند ما را از خود براند و دور کند، باید چه کنیم؟

.....

۵) بیت اول شعر ستایش را به زبان ساده بنویس.

.....

۶) در کدام مصراع از شعر ستایش، دو کلمه‌ی مخالف هم، در کنار یکدیگر نوشته شده است؟

.....

شعر و شاعری

وقتی که شعر قشنگی را می‌خوانیم، دلمان می‌خواهد آن را حفظ باشیم تا هر جا که لازم شد بیتی از آن را از حفظ بخوانیم.

برسان: «ففظ کردن بعضی از شعرها فیلی سفت است.»

جربان: «من برای ففظ کردن معمولاً پندبار از روی شعر می‌نویسم و بعد آن را فور به فور ففظ می‌شوم.»

♦ دوست‌جان! بعد از این که با شیوه‌ی خودت شعر ستایش را حفظ کردی می‌توانی با استفاده از قسمت پایین خودت را بیازمایی.

ای همه ز تو پیدا شده

خاک ضعیف از تو

از پی توست این همه و بیم

هم تو ببخشای و ببخش، ای

..... ساز که بی یاوریم

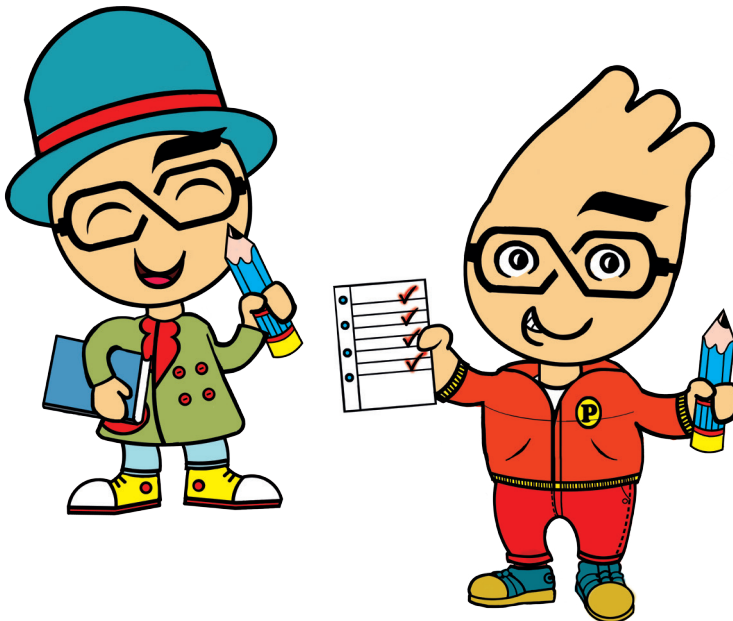
گر تو، به که روی آوریم؟

جز در تو، نخواهیم ساخت

گر نوازی تو، که؟

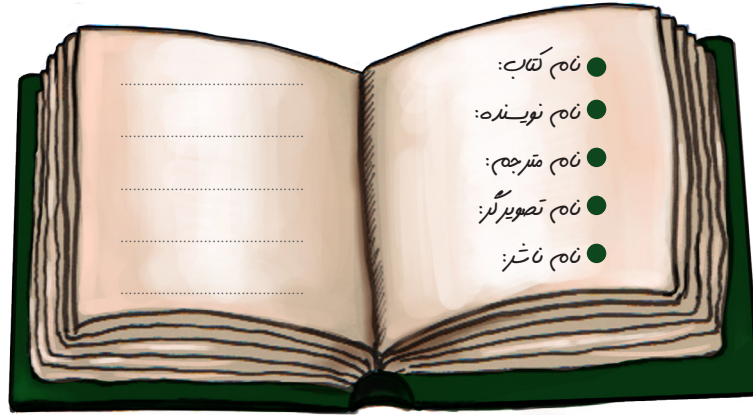
یار شو، ای مونس

چاره کن ای بیچارگان



لذت مطالعه

برنامه‌ریزی برای مطالعه یکی از آن کارهایی است که پُرسان و جویان انجام داده‌اند. آن‌ها بعد از این که یک هفته مطالعه کردند، به این نتیجه رسیدند که می‌توانند هر روز بعد از مدرسه و کمی استراحت، مطالعه را شروع کنند و بعد از آن کمی به داستان خوانده شده فکر کنند. دوست‌جان! شما هم از این هفته برنامه‌ریزی را شروع کن. بعد از مطالعه‌ی کتاب دلخواهتان به سوالات زیر پاسخ بده.



۱) زیباترین بخش داستان را از نظر خودت در اینجا تعریف کن.

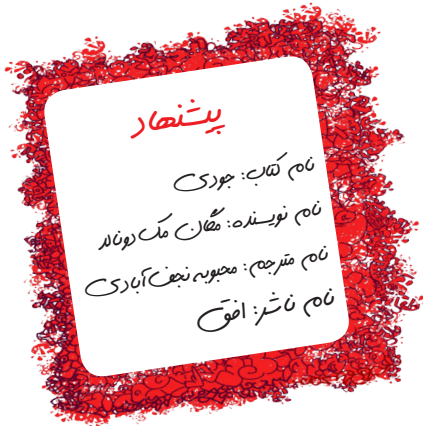
.....

.....

.....

.....

.....



دریچه‌ی دانایی



حکیم نظامی که بود؟

من نظامی گنجوی از استادان بزرگ سخن و شعر فارسی هستم. من در قرن پنجم در شهر «گنجه» زندگی می‌کردم. تقریباً نه قرن قبل از زمانی که شما در آن هستید و در سرزمینی که این روزها دست کشور آذربایجان شوروی است. من کتاب معروفی به نام «پنج‌گنج» سروده‌ام که پنج بخش مختلف دارد و داستان‌های «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون» و «هفت پیکر» سه تا از قسمت‌های این کتاب است که از خواندنی‌ترین شعرهای ادبیات فارسی است. این داستان‌ها آن قدر قشنگ هستند که بعد از من، شاعران زیادی خواستند قصه‌هایی شبیه آن بگویند. نویسندگان مختلفی هم برای کودکان این سه داستان را بازنویسی کرده‌اند که شما هم می‌توانید آن‌ها را بخوانید.

خودم

ارزیابی

آموزگارم

نمانتخانه



واژه‌نامه



مخالفاها

لطیف ≠ زبر
سادگی ≠ سختی
زیبایی ≠ زشتی
باید ≠ نباید
پاکی ≠ ناپاکی
ساکت ≠ شلوغ
روشنایی ≠ تاریکی
صبحگاهی ≠ شبانگاهی

هم خانوادهها

لطیف / لطافت
عجیب / تعجب
عظیم / عظمت
عمیق / عمق
طبیعت / طبع / طبیعی
محکم / تحکیم
توصیف / وصف
تفکر / فکور / متفکر

هم معنی‌ها

سرشار = پُر
شگفتی = تعجب‌آور
اندک = کم
درنگ = مکث
تنومند = درشت و قوی‌هیکل
عظمت = بزرگی
عالم = دنیا
تأمل = تفکر، اندیشه
نگاشتن = نوشتن
می‌نگارد = نقاشی می‌کشد
سنگلاخ = راه پر از سنگ
تالاب = برکه
چاره = تدبیر

فهمیدن دقیق



پرساں هنوز یاد نگرفته است که در هر جایی، حتی جاهای شلوغ هم با دقت مطالعه کند. جویان هم می‌داند که اگر متنی را بخواند، ولی نتواند درباره‌ی آن حرف بزند یا بنویسد؛ یعنی آن متن را درست نفهمیده است!!

♦ شما هم وقتی با دقت، متن هر درس را خواندید، به پرسش‌های این بخش پاسخ بدهید تا متوجه بشوید، چقدر آنچه را که مطالعه کرده‌اید، فهمیده‌اید.

اگر جواب سؤالی را نمی‌دانستید، ابتدا سؤالات دیگر را جواب دهید و بعد متن کتاب را دوباره بخوانید؛ سپس کتاب را ببندید و سعی کنید از ذهنتان کمک بگیرید تا پاسخ درست سؤالی را که نمی‌دانستید بیابید. سعی نکنید جواب پرسش‌ها را با نگاه کردن به متن کتاب و رونویسی، کامل کنید.

۱) از پدیده‌های ساده‌ی آفرینش به چه نتایجی می‌توانیم برسیم؟

.....

۲) با توجه به درس، کوه‌ها شبیه چه چیزهایی هستند؟

.....

۳) ساده‌ترین راه برای شناخت عالم چیست؟

.....

۴) چندتا از آفریده‌های ساکت خداوند را نام ببر.

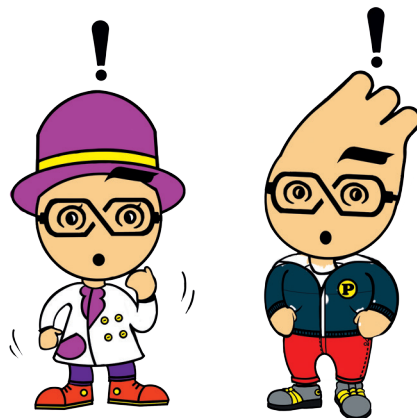
.....

۵) دلیل اینکه ما به بیشتر رفتارها و کردارهایمان فکر نمی‌کنیم، چیست؟

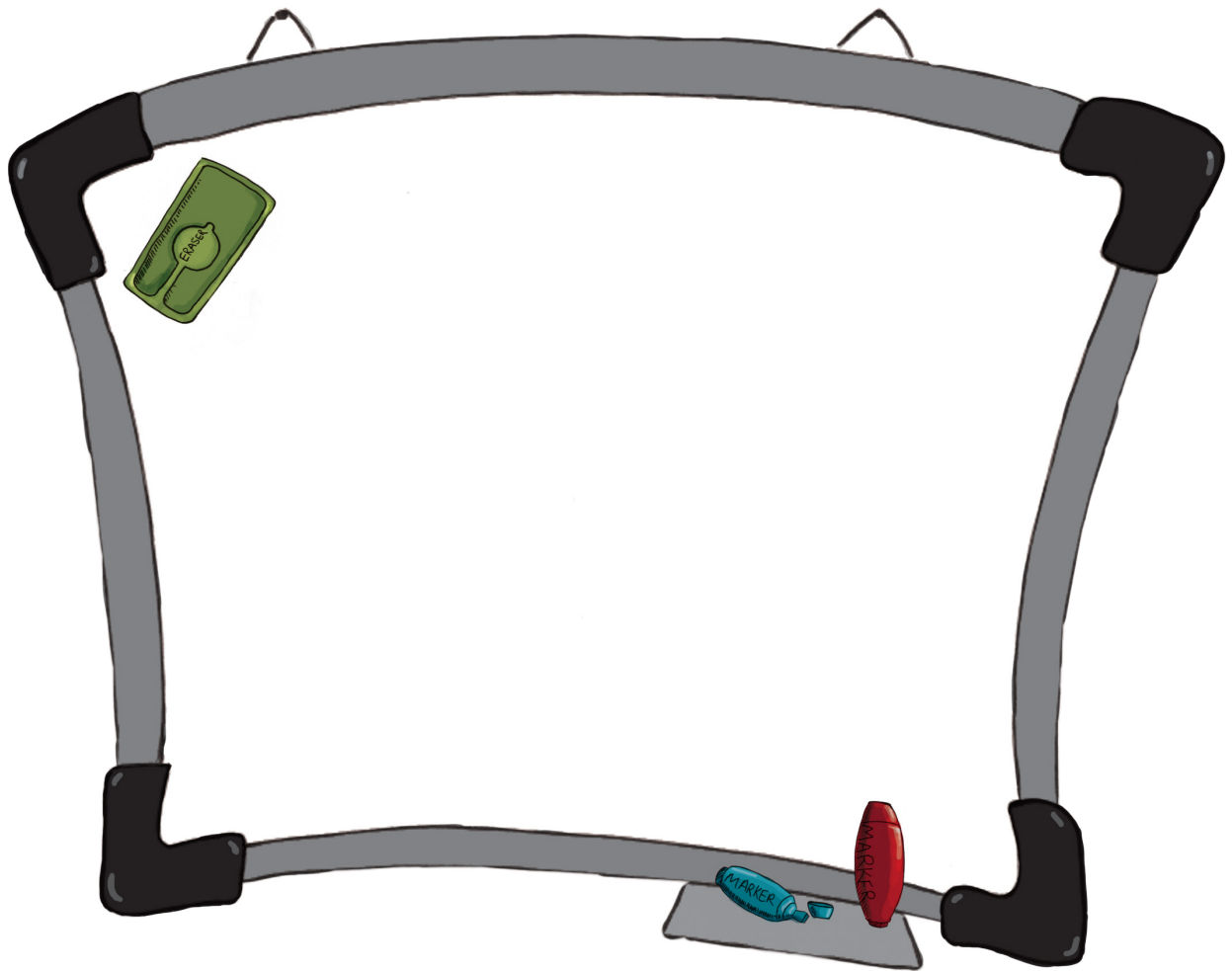
.....

۶) دانشمندان و عالمان از چه راه‌هایی به شناخت در مورد پدیده‌ها می‌رسند؟

.....



۷ تصویری از قطره‌های باران را که حلقه‌های ساکت روی آب را می‌سازند، بکش.



نکته‌ی زبانی

پرسان یک دفعه جلویم می‌ایستد و می‌گوید: «شما گاهی فیلی **مقالف** من هستید!»
از تعجب نزدیک است شاخ دریاورم. می‌گویم: «منظورت را خوب متوجه نمی‌شوم!»
پرسان: «مگر کلمات **مقالف** را نمی‌شناسی، فب آدم‌های **مقالف** هم توی دنیا هست!»
می‌گویم: «خب، بلی... بلی!»
پرسان با جدیت ادامه می‌دهد: «مثلاً شما "آدم بزرگی" هستید، من "آدم کوچکی"»
می‌گویم: «واقعاً که! خب، البته! بلی... بلی!»



۱) حالا شما سعی کنید مانند نمونه، مخالف کلمات زیر را بنویسید.

مترادف \neq متضاد مشابه \neq فردا \neq زیاد \neq

۲) اگر گفتمی دانستن کلمات مخالف (متضاد) چه فایده‌ای دارد؟

.....

۳) کلمات مخالف سؤال اول را دو به دو در یک جمله بیاور.

.....

.....

.....

پنج مهارت واژه‌یابی

۱) سعی کن با واژه‌های زیر، جمله‌هایی بلند بسازی تا پسران از خواندن آن‌ها لذت ببرند.

◆ شگفتی:

.....

◆ تالاب:

.....

◆ عالم:

.....

◆ تنومند:

.....

۲) کلمات زیر را به صورت یک جمله مرتب کن.

◆ است - آفرینش - عالم - شگفتی‌های - تماشاخانه‌ی

.....

◆ خوب - می‌خواهی - را - اگر - ساکت - شناسی - آفریده‌های - نگاه کن - را - آفرینش - طبیعت

.....

۳ با حروف درهم‌ریخته داخل صندوق ماشینِ پُرسان، کلمات جدید بساز.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

۴ کتاب «آفریده‌های ساکت خداوند» درباره‌ی چه موضوعی است و نویسنده‌ی آن کیست؟

.....

۵ کلمات متضاد یا مخالف را دوبه‌دو از بین کلمات زیر، پیدا کن و هر دو کلمه‌ی مخالف را در یک جمله به کار ببر.

تاریکی - شلوغ - صبحگاهی - روشنایی - شبانه‌ی - زر - ساکت - لطیف

.....

.....

.....

.....

۶ شباهت و تفاوت‌های زنبور عسل با خرمگس را بنویس.

.....

.....

.....

نکته‌ی زبانی ۲

جویان: «پرسان! پرسان چرا این دو تا جمله را این‌طوری نوشتی؟»

پرسان: «همین‌که نوشتیم: "من درسم را می‌فوانم، آدم مهمی بشوم!"»

جویان: «بلی... بلی! دقیقاً منظورم همین است.»

پرسان: «چون نمی‌دانم چه‌طوری باید این دو تا جمله را به هم ربط بدهم.»

جویان با لبخند جواب می‌دهد: «آهان... تو باید «نشانه‌های ربط» را یاد بگیری!»

«اما، ولی، چون، زیرا، سپس، بعد»

این نشانه‌ها، بین دو تا جمله می‌آیند تا آن‌ها را به هم ربط بدهند.

پرسان: «من نشانه‌های ربط را یاد گرفتم چون باید جمله‌های بهتری بسازم.»

جویان: «آخرین... آخرین!»

پرسان باز فوراً می‌گوید: «من جمله‌های خوبی می‌سازم؛ اما به زودی جمله‌های خوب‌تری هم فواهم سافت!»

جویان: «آخرین... آخرین...! تو فوق‌العاده‌ای دوستم!»

۱ دوست‌جان، حالا شما با نشانه‌های ربط زیر جمله بساز.

ولی

زیرا

سپس

۲ جاهای خالی را با نشانه‌های ربط پرکن، تا جمله کامل شود.

پرسان به خانه آمد وسایلش را کنار گذاشت لحظه‌ای بعد نمی‌دانست آن‌ها را کجا گذاشته است جویان وسایل او را پیدا کرد و کلتی خوش حال شد.



۱ تصاویر ۱ و ۲ چه فرقی‌هایی با هم دارند؟ آن‌ها را با هم مقایسه کن.

.....

۲ آیا می‌توانی بگویی تصاویر ۱ و ۲ مخالف هم هستند؟

.....

۳ از مقایسه‌ی دو تصویر بالا به چه نتیجه‌ای می‌توانی بررسی؟

.....

۴ برای هر تصویر یک موضوع انتخاب کن و آن را بنویس.

.....

برای انتخاب موضوع یک تصویر، باید اصلی‌ترین مسئله‌ای را که تصویر نشان می‌دهد، بنویسی!

شعر و شاعری

۱ شعر «رقص باد، خنده‌ی گل» را با دقت بخوان. پرسان آن را به زبان ساده در زیر نوشته است. شما هر بیت را در پایین آن قرار بده!

❖ هوا کم‌کم سرد شد و همی سبزه‌زارها زرد شد.

«.....»

❖ درخت نارون رنگش تغییر کرد و برگ‌های آن درخت زیبا، زرد شد.

«.....»

❖ باد، برگ‌های گل و درخت بید را ریخت.

«.....»

❖ آب چشمه، آرام آرام خشک شد و باغ و بوستان یک‌دفعه به خواب زمستانی فرو رفتند.

«.....»

❖ کشاورز دانه‌ها را در زیر خاک پنهان و شاخه‌های انگور را کوتاه کرد.

«.....»

❖ فصل پاییز و زمستان تمام و بهار شروع می‌شود.

«.....»

❖ زمین خشک، سرسبز می‌شود و آب چشمه‌ها جاری می‌شود.

«.....»

❖ درخت نارون شکوفه می‌دهد و برگ‌هایش دوباره سبز می‌شوند.

«.....»

❖ شکوفه‌ی گل‌ها باز شده و بوی خوششان همه‌جا را پر می‌کند.

«.....»

❖ باز، پرستوی آوازخوان در اینجا لانه می‌سازد.

«.....»

❖ پرسان کلی سؤال دارد. به پرسش‌های او توجه کن، شاید سؤال تو هم باشد.

۲ منظور از بیت اول چیست؟

.....

۳) منظور از بیت چهارم چیست؟

.....

۴) منظور از بیت هفتم چیست؟

.....

۵) منظور از بیت نهم چیست؟

.....



نویسنده‌ی کوچک



۱ یکی از موضوعاتی را که در بخش چشم‌های باز نوشتی، انتخاب کن و درباره‌ی آن دو بند بنویس.

در بند اول بهتر است به توضیح یا توصیف موضوع پردازی.

در بند دوم می‌توانی درباره‌ی نتیجه‌ی بند اول، توضیح دهی.

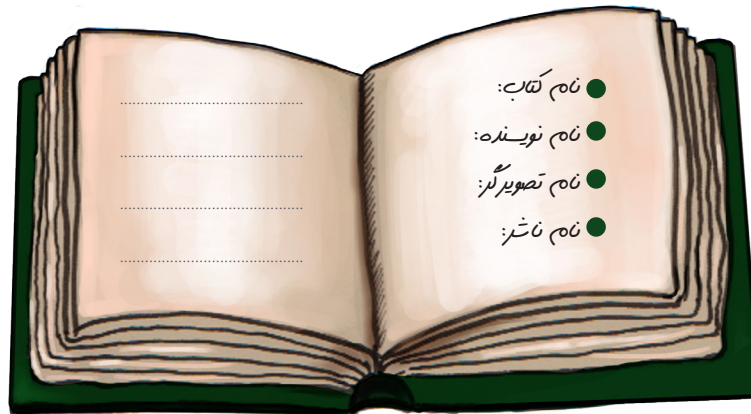
نوشته‌ات را چندبار بخوان و توجه داشته باش که کلمه‌ها را به آن شکلی که می‌نویسیم، نوشته باشی؛ نه آن‌طور که حرف می‌زنیم؛

مثلاً بنویسی: «دوستم را به خانه دعوت کردم.» ننویسی: «دوستم رو به خونه دعوت کردم.»

لذت مطالعه



پرسان این هفته چند داستان کوتاه از یک کتاب خیلی بزرگ را خوانده است. دوست‌جان، شما چه کتابی خواندی؟



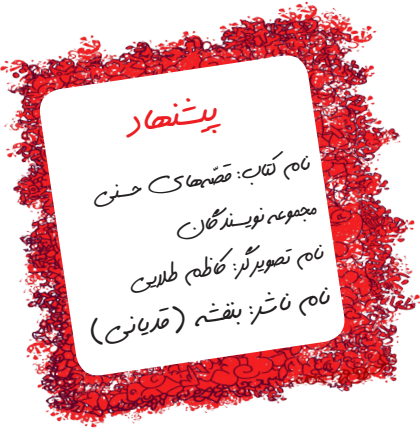
۱) داستانی که خواندی چند شخصیت داشت؟ نام شخصیت اصلی داستان چه بود؟ نام آن‌ها را بنویس.

.....

۲) داستان در چه جایی اتفاق می‌افتاد؟

.....

۳) بخش اول داستانی که خواندی را به‌طور خلاصه بنویس تا جایی که فکر می‌کنی بهتر است بقیه‌ی آن را خودمان بخوانیم.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

دریچه‌ی دانایی



نانسی سویتلند که بود؟

من نویسنده‌ی کتاب «آفریده‌های ساکت خدا» هستم. من از سن سیزده سالگی بعد از یک اتفاق ناراحت‌کننده در زندگی‌ام، شروع به نوشتن کردم. بعد آن‌قدر نوشتم و نوشتم، تا این‌که با گذشت زمان، چند کتاب برای بچه‌ها و حتی رمان‌هایی جالب برای بزرگ‌ترها نوشتم. شغل من به جز نویسندگی، تدریس در دو مؤسسه‌ی ادبیات کودکان است. من عاشق ورزش کردن و موسیقی هم هستم. کلاً من فردی هستم که دوست دارم در طول هفته کارهای متنوعی انجام بدهم. برای همین هم کتاب‌هایی با موضوع‌ها و سبک‌های مختلف نوشته‌ام.

پروین دولت آبادی که بود؟



من در سال ۱۳۰۳ در اصفهان به دنیا آمدم؛ اما پس از تمام شدن مقطع ابتدایی به همراه خانواده‌ام به تهران آمدم. مادرم مدیر مدرسه بود و پدرم هم در اصفهان رئیس اوقاف بود؛ البته وقتی که به تهران آمدم، پدرم ریاست کل پرورشگاهی را به عهده گرفت.

پس از دبیرستان، تصمیم داشتم برای تحصیل در رشته‌ی نقاشی و مجسمه‌سازی به دانشگاه بروم؛ اما روزی به پرورشگاه رفتم و از آنجا بازدید کردم. آن روز بود که تصمیم گرفتم به سرپرستی و تربیت کودکان پرورشگاه بپردازم.

در سال‌هایی که در پرورشگاه کار می‌کردم، شعرهایی برای بچه‌ها سرودم که مورد توجه قرار گرفت. عقیده‌ی من این بود که نباید در شعرها به بچه‌ها پند و اندرز داد و کسی هم باید شعرهای تفریحی و سرگرم‌کننده سرود.

من در سال ۱۳۳۹ با همکاری همسرم شرکت انتشاراتی «سخن» را پایه‌گذاری کردم و از آغاز نشریه‌ی «پیک» تنها شاعر این نشریه بودم. علاوه بر این من از بنیان‌گذاران «شورای کتاب کودک» بودم و بیش از ۵۰ اثر برای کودکان دارم.

خودم

ارزیابی

آموزگارم